

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قصه های سرزمین اشباح

آزمون های مرگ

«دارن شان» ترجمه سوده کریمی

www.ketab.ir





Shan, Darren

شان، دارن

قصه‌های سرزمین اشباح / دارن شان: ترجمه سوده کریمی؛ ویراستار فرزانه کریمی. - تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه، ۱۳۸۲ -

ISBN 978-964-417-614-2 (دوره)

ISBN 978-964-417-612-8

ISBN 978-964-417-613-5

ISBN 978-964-417-674-6

ISBN 978-964-417-675-3

ISBN 978-964-417-759-0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

The saga of Darren Shan

عنوان اصلی:

مندرجات: ج. ۱. سپیرک عجایب. -- ج. ۲. دستیار یک شیخ. --

ج. ۳. دخمه خونین. -- ج. ۴. کوهستان شیخ. --

داستان‌های انگلیسی. -- قرن ۲۰ م. الف. کریمی، سوده، ۱۳۵۷. --

مترجم. ب. عنوان.

[ج] ۸۲۲/۹۱۴

۵دق ۲۵ش/۷ PZ

ق ۲۱۷ش

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۸۱-۲۸۲۵۷

ای



موسسه انتشارات قدیانی

آزمون‌های مرگ

قصه‌های سرزمین اشباح - ۵

دارن شان مترجم: سوده کریمی

ویراستار: فرزانه کریمی

طراحی اونیفورم، اجرای جلد و سرفصل‌ها: بهزاد غریب‌پور

آماده‌سازی: بخش هنری و فنی

زیر نظر شورای بررسی

چاپ سیزدهم: ۱۳۹۹ تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۰ - ۷۵۹ - ۴۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۱۷ - ۷۵۹ - ۰ ISBN: 978-964-417-759-0

شابک دوره: ۲ - ۶۱۲ - ۴۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۱۷ - ۶۱۴ - ۲ ISBN SET: 978-964-417-614-2

کد: ۸۳/۸۰۹

چاپ و منقحی: چاپخانه قدیانی، تهران

کلیه حقوق محفوظ است.

۳۰۰۰ تومان

www.ghadyani.org

دفتر فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه، خیابان فخرآزاد، خیابان شهدای (ژاندارمری/فروری)، شماره ۹۰، کدپستی: ۱۳۱۴۲۳۲۸۶۱، صندوق پستی: ۱۷۹۲ - ۱۳۱۴۵
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۴۱۰ - ۰۲۱-۶۶۴۰۲۴۲۴

پیشگفتار

دنیا پر از شبیح است. البته به اشباح وحشی و بدشکل ترسناکی که در داستان‌ها توصیف شده‌اند، بلکه به شبیح‌های قابل احترامی که عمر بلند و نیروی فوق‌العاده‌ای دارند و برای زندگی بشر باید خون بخورند. این اشباح تا حد امکان در زندگی آدم‌ها دخالت نمی‌کنند و آدم‌هایی را که خونشان را می‌خورند، هرگز نمی‌کشند.

در نقطه‌ای از جهان، در منطقه‌ای برفی و دور از چشم آدم‌ها، مکانی به نام کوهستان اشباح وجود دارد که آنها هر دوازده سال یکبار، نجا دور هم جمع می‌شوند. شورا (اشباح به این گروه‌هایی "شورا" می‌گویند) را شاهزاده‌ها اداره می‌کنند.

آقای کرپسلی برای معرفی من به شاهزاده‌ها، مرا به کوهستان اشباح و محل شورا برد. او هم یک شبیح است. من یک نیمه‌شبیح و دستیار آقای کرپسلی هستم. اسم من "دارن شان" است.

سفری سخت و طولانی بود. ما همراه دوستی به نام گاونر پورل، چهار گرگ و دو آدم کوچولو سفر می‌کردیم. آدم کوچولوها موجودات عجیبی هستند که برای مردی به نام آقای تینی کار می‌کنند. در راه، خرسی وحشی،

که خون یک شبیح‌واره را خورده بود، یکی از آدم کوچولوها را کشت. (شبیح‌واره‌ها مثل اشباح هستند؛ اما پوستشان کبود است، چشم‌ها و موها و ناخن‌های سرخی دارند و همیشه بعد از اینکه خون کسی را می‌خورند، او را می‌کشند.) اسم آدم کوچولوی دیگر "هارکات مولدز" بود. البته آدم کوچولوها هیچ‌وقت با کسی ارتباط برقرار نمی‌کردند. اما بعد از این اتفاق، هارکات برای اولین بار حرف زد. او حامل پیام وحشتناکی از طرف آقای تینی بود: «به رودی، یکی از شبیح‌واره‌ها ارباب خواهد شد و از همه شبیح‌واره‌ها می‌خواهد که علیه اشباح بجنگند، و در انتها نیز آنها پیروز خواهند شد»

«آخره به کوهستان اشباح رسیدیم؛ جایی که اشباح در تونل‌ها و غارها بودند، تویش ساکن بودند. در آنجا، من با چند شبیح دوست شدم. یکی از آنها "میرانیا" معلم دوران جوانی آقای کریسلی بود. "آرا سیلز" یکی از اشباح زر باهوش بود. "دیوید" میان آنها، شبیح زن کمتر دیده می‌شد. "وینز بلین"، شبیح یک چشمی به همه ازی، ارا بلد بود و "کورداسمالت"، ژنرالی که به زودی شاهزاده می‌شد، نیز از دیگر در ستان من بودند.

شاهزاده‌ها و بیشتر رزرها من رفتار خوبی داشتند. آنها معتقد بودند که من خیلی کوچک هستم و آقای کریسلی را به خاطر نیمه‌شبیح کردن من سرزنش می‌کردند. برای اثبات اینکه من یک شبیح هستم، قدرت و صلاحیت لازم برای نیمه‌شبیح شدن را داشته‌ام، باید کارهایی را در حضور ژنرال‌ها انجام می‌دادم. آنها گفتند اگر بتوانم از آزمون‌های سختی که برایم در نظر گرفته می‌شد، موفق بیرون بیایم، مرا خواهند پذیرفت. چیزی که آنها به من نگفتند (یا آن قدر دیر گفتند که دیگر فایده نداشت) این بود که اگر در این آزمون‌ها موفق نبودم، کشته می‌شدم!